

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

بررسی زبان هنری و بلاغی غزل‌های پایداری چهارشاعر گیلانی:

بهمن صالحی، جمشید عباسی، اسماعیل محمدپور و پونه نیکوی* (علمی- پژوهشی)

دکتر پروین تاج بخش

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

فاطمه قسمتی کرقق

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

چکیده

جنگ تحمیلی پس از پیروزی انقلاب اسلامی میدانی برای آزمونی بزرگ بود. هر کس به هر طریق که می‌توانست به پاسداری از وطن پرداخت. این جریان تا امروز باقی است و برای حفظ ارزش‌های دفاع مقدس ضروری می‌نماید. موضوع مقاله حاضر بررسی زبان هنری و بلاغی غزل‌های دفاع مقدس چهار شاعر گیلانی- بهمین صالحی، جمشید عباسی، اسماعیل محمدپور و پونه نیکوی- می‌باشد. در این پژوهش پس از جمع‌آوری اطلاعات لازم به مطالعه اشعار شاعران مذکور از منظر بلاغت پرداخته شد و نتایج به صورت نمودار تدوین و آماده تفسیر گردید.

شاعران تحقیق غالباً غزل را برای بیان عقاید و احساسات خود برگزیده‌اند. صالحی در ترکیب‌سازی، تشبیه و استعاره آفرینی تبحر دارد؛ اما زبان نسبتاً کهنه آثارش با ذوق مخاطب سازگار نیست. عباسی زبانی نزدیک به شعر امروز دارد و از تشبیه و استعاره بیشتر استفاده می‌کند. غزل‌های محمدپور، زبانی سلیس دارد و مانند صالحی به تشبیه و استعاره راغب‌تر است تا کنایه. نیکوی، شاعری است عاطفی که با لحن زنانه و به کارگیری ابزارهای بیانی، در بیان دغدغه‌های زنان، در زمینه شعر پایداری موفق است. شاعران از طبیعت به عنوان مهم‌ترین خوشه تصویری در غزل‌های پایداری استفاده کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: ادبیات پایداری، غزل دفاع مقدس، زبان هنری و بلاغی.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۲/۱۰/۲۳
parvintajbakhsh@gmail.com
sazekaraneshomal@yahoo.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۵/۲۳
نشانی پست الکترونیک نویسندگان:

۱- مقدمه

بعد از ورود اسلام، فرهنگ ایران رنگ دین گرفت و از قداست بهره‌مند شد. «وقتی اسلام ظهور کرد، قرآن... مبنای ادبیات مقاومت شاعران... در برابر مشرکان... بود» (مددپور، ۱۳۸۵: ۳۶۶).

«یکی از افتخارات دفاع مقدس و پایداری ملت ایران، تولد ادبیات و هنر مقاومت و پایداری است» (امیری خراسانی، ۱۳۸۷: ۱۱). و در ادبیات پایداری، غزل به دنبال مضمون سازی است نه خلق معنی (رحمدل، ۱۳۸۷: ۲۱۹-۲۱۸).

از پژوهش‌های گیلان درباره ادبیات مقاومت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- پایان نامه کارشناسی ارشد «تحلیل ساختاری اشعار عبدالرضا رضایی نیا»، آرش پورعلیزاده، راهنما: دکتر احمد رضی و مشاور: دکتر پروین تاج بخش، دانشگاه پیام نور رشت، ۱۳۹۰.

۲- مقاله «رحمدل واسوه‌های پایداری»، دکتر پروین تاج بخش و خدیجه گنجی بیجارپس، منتشر شده در نشریه ادبیات پایداری، ۱۳۸۹.

اما تاکنون درباره موضوع تحقیق حاضر، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. هدف آن است که غزل‌های دفاع مقدس چهار شاعر گیلانی مورد بررسی قرار گیرد؛ لذا از هر شاعر، کتابی انتخاب گردید که حاوی بیش‌ترین شعرهای مقاومت بود:

«خنجر و گل سرخ» از بهمن صالحی. تهران: نشر فصل پنجم، ۱۳۸۷.

«گل با صدای سرب» از جمشید عباسی. تهران: نشر سوره مهر، ۱۳۸۷.

«قطاری از جمهوری شهریور» از اسماعیل محمدپور. رشت: نشر حرف نو، ۱۳۸۶.

«انار سبز زیتون سرخ» از پونه نیکوی. چاپ دوم. تهران: نشر هزاره ققنوس، ۱۳۹۰.

در این پژوهش برآنیم تا به سؤالات زیر پاسخ دهیم:

۱- کارکرد زبان در ادبیات مقاومت در آینه شعر شاعران تحقیق چگونه است؟

۲- زبان هنری و بلاغی و صنایع ادبی بر غزل‌های پایداری شاعران چه تأثیری

داشته است؟

۳- ارتباط لحن و زبان ادبی با دوره شاعران (جنگ و بعد از آن) به چه صورت است؟

۲- بحث

۲-۱- ادبیات مقاومت و ویژگی های محتوایی و زبانی آن

۲-۱-۱- ادبیات مقاومت: شعر در ادبیات فارسی اهمیت خاصی دارد. «شعر، شاخص ترین نوع ادبی بوده که با تعبیر ادبیات به ذهن متبادر می شده است» (صنعتی، ۱۳۸۹: ۳۵). و قبل از آن که بازآفرینی زبان باشد، خلق دوباره زمان و فضا است (سنجری، ۱۳۷۹: ۳۴). شعر خوب دقیق، متعهد و صمیمی است (براهنی، ۱۳۸۰: ۱۴۴۴). در شعر دفاع مقدس، چند ویژگی زبانی مشهود است: ساخت ترکیب‌های تازه، ساختارهای نحوی تازه (فراهنجار)، بهره گیری از واژگان و ساختارهای بومی و محلی، کاربرد قافیه ها و ردیف نو و گاه غیر متعارف، کاربرد «و» مفتوح و بسامد بالای واژگان متعلق به ابزارهای جنگی، نام عملیات‌ها و نمودهای جبهه (سنگری، ۱۳۸۹: ۹۱-۸۹).

تعهد، مهم ترین ویژگی ادبیات است. عنصر دیگر، مردم هستند که نمونه‌های عالی ادب پایداری را خلق کردند. تحولات و تلاطم‌های اجتماعی-ویژگی سوم - با عنصر مردم لازم و ملزوم است. جنگ، تحوّل بود که به وطن و مقدسات مردم حمله کرد. ویژگی چهارم، پیشروان فکری جوامع هستند. کشف الاسرار امام (ره) سند معتبر ادبیات پایداری است (بصیری، ۱۳۸۷: ۹۴-۹۱).

محمدی پور ادبیات مقاومت انقلاب ایران را به چهار دوره تقسیم می کند:

۱- ادبیات پایداری در عصر قیام و حرکت تا پیروزی انقلاب. ۲- ادبیات پایداری در دوره هشت سال دفاع مقدس. ۳- ادبیات پایداری پس از جنگ هشت ساله. ۴- ادبیات پایداری نهضت‌ها و حرکت‌های اسلامی... (محمدی پور، ۱۳۸۲: ۱۴۹-۱۴۷).

۲-۱-۲- ویژگی های محتوایی و زبانی: از نظر محتوایی، شهادت، امام(ره)، عاشورا و دفاع مقدس، رزمندگان، انتظار و عرفان، اهل بیت، افول ارزش‌ها و... درون مایه‌های شعر دفاع مقدس‌اند. در زبان شعر دفاع مقدس کاربرد واژه‌های

عامیانه، مذهبی، ترکیب‌سازی، پسوندها و... حتی رعایت ساختمان طبیعی کلام مورد توجه است (مکارمی‌نیا، ۱۳۸۳: ۱۶ و ۴-۳). سادگی، صراحت مطالب، طنزوارگی گفت و گوی رزمندگان و... خواندن آثار پایداری را دلچسب می‌کند. فرزام در کتاب نکته‌ها و نقدها صص ۶۶۵-۶۶۲ به این موضوعات اشاره کرده است.

۲-۲-۲- کاربرد غزل در شعرهای پایداری صالحی، عباسی محمدپور و نیکوی

۲-۲-۱- غزل پایداری در گیلان: غزل برای ماندگاری مدیون شاعران بزرگی است که شاهکارهای خود را در این قالب سروده‌اند. تصویر در آغاز جنگ فروغی نداشته (سنگری، ج ۳، ۱۳۸۰: ۱۹-۲۲) و غزل قالبی برای طرح و نقد مسائل اجتماعی بوده است. از موضوعات غزل معاصر، غزل‌های وطنی، تقلیدی، نو یا تصویری است (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۰۲-۲۰۱). وقتی این سروده‌ها، مبتنی بر مفاهیم الهی باشند، سروده‌های دفاع مقدس نامیده می‌شوند (سنگری، ج ۳، ۱۳۸۰: ۱۶ و ۴۲-۲۷). گیلان نقش خود را در عرصه ادبی ایران ایفا کرده است. ترابی، حسینجانی، رضایی‌نیا، صالحی، محمدی پور، عباسی، محمدپور و... در ادبیات مقاومت خوش درخشیده‌اند. بیان زبان حال مردم، استقامت، رشادت، همزاد پنداری با خانواده شهدا و... درون مایه‌های غزل پایداری می‌باشند (محمدی پور، ۱۳۸۲: ۱۳۸-۱۳۷).

۲-۳- معرفی اجمالی شاعران تحقیق

بهمن صالحی، متولد ۱۳۱۶، شاعر و پژوهشگر، صاحب کتاب‌های «افق سیاه‌تر»، «باد سرد شمال»، «کسوف طولانی»، «نخل سرخ»، «بانوی آب»، «خطوط دلتنگی» و... است.

جمشید عباسی، متولد ۱۳۴۸، شاعر، داستان‌نویس و منتقد ادبی، صاحب داستان‌های «سکانس آخر و بی بی»، «مجموعه اشعار گل با صدای سرب» و مجموعه «خاطره پل شهر چهارم» است.

اسماعیل محمدپور، متولد ۱۳۵۸، شاعر، نویسنده و منتقد که کتب «تمام سهم من»، «اجازه‌های بی جواب»، «این شعرها ادامه باران است»، «داستان قهرمان» و... نوشته اوست.

پونه نیکوی، متولد ۱۳۶۴، شاعر و نویسنده که دو مجموعه «شعر انار سبز»، «زیتون سرخ» و، «دست‌های تو جوانه می‌زنند» (کودک و نوجوان) و داستان «مسافر کوچولو» از اوست.

۲-۴- غزل پایداری در شعر شاعران تحقیق

نیکوی غزل‌گراترین شاعر تحقیق است. (۷۸/۷۵٪) پس از او عباسی (۶۱/۴٪)، صالحی (۱۹/۵۶٪) و محمدپور (۱۱/۸٪) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. از مطالعه اشعار، چنین بر می‌آید که بیش از نیمی از غزل‌های صالحی در دوران پس از جنگ سروده شده است (۵۵/۵۶٪). آثار ادبی شاعران دیگر در زمینه مقاومت، پس از جنگ سروده شده است. محمدپور سروده‌ای دارد که ترکیبی از غزل و مثنوی است (غزل-مثنوی). ابتدا شعر را با هفده بیت در قالب مثنوی آغاز می‌کند:

باز هم آمدم از جنگ بگویم، ای شهر! / و غریبانه و دل‌تنگ بگویم، ای شهر!
سپس شعر را با هفت بیت در قالب غزل ادامه می‌دهد:

خاک زندانی ما بود، وجود از ما داشت / دل ما بود و خدا بود و خطر معنا داشت
در آخر، با شش بیت در قالب مثنوی شعر را به پایان می‌برد:

کودکانت سر هر نخل، طنابی بستند / یادشان رفت کجایند؟ چه تابی بستند!

(محمدپور، ۱۳۸۶: ۴۵-۴۱).

در سرایش کارهای بلند، جز محمدپور که شعر سپید را ترجیح داد، شاعران دیگر، غزل را ترجیح داده‌اند. این، دلیل ضعف وی در غزل‌سرایی نیست. او غزلیات موفق نیز داشته است:

جمله‌اش مبتدا نمی‌خواهد، لحظه‌هایش پر از خبر شده است

این خبر را درشت بنویسید: «سرفه‌هایش شدیدتر شده است» (همان: ۵۹).

۲-۵- کارکرد زبان در ادبیات مقاومت چهار شاعر گیلانی

۲-۵-۱- زبان: زبان وسیله انتقال سخن و ابزار ایجاد ارتباط است. در مطالعه نظام ادبیات به دنبال آنیم که زبان خود کار چگونه برجسته می‌شود، در اینجا به ذات ادبیات توجه داریم. «مطالعه ادبیّت^۱ یعنی مطالعه زبان ادبیات و مطالعه متون ادبی، یعنی مطالعه گفتار ادبیات» (صفوی ج ۲، ۱۳۹۰: ۴۹-۵۰).

یا کوبسن شش عامل فرستنده، گیرنده، زمینه، رمز، تماس و پیام را برای هر کنش ارتباطی، به ویژه ارتباط زبانی، بر شمرده است. این عوامل، در کارکردهای زبان تعیین کننده هستند؛ اما در هر ارتباط، نقش یکی از این عوامل برجسته‌تر است و عوامل دیگر در جهت همین کارکرد خاص به کار گرفته می‌شود. جهت‌گیری پیام در شش نقش زبان: ۱- عاطفی^۲: گوینده^۲-ترغیبی^۳: مخاطب^۳-ارجاعی^۴: موضوع پیام^۴-فرازبانی^۵: رمز^۵-همدلی^۶: مجرای ارتباطی^۶-ادبی (شعری)^۷: خود پیام (صفوی، ج ۱. ۱۳۹۰: ۴۶-۳۴).

«از آن جا که شاعر دوره بحران فقط می‌خواهد پیام را به شنونده برساند، لذا بر کارکرد ادبی تأمل ندارد، مهم کارکرد عاطفی، انگیزشی، ارجاعی و همدلی است... البته کارکرد ادبی نیز دیده می‌شود. ناگفته نماند که هیچ نقش و کارکرد زبان خالصی وجود ندارد... معمولاً یکی از آن‌ها غالب است؛ لذا پیام را بدان نام معرفی می‌کنند» (سنگری ج ۲، ۱۳۸۰: ۱۷).

زبان آثار پایداری، پر صلابت است و توفنده. شاعر کمتر در گیر نقش‌های زبانی و ادبی می‌باشد. ترکیبی از نقش‌های ترغیبی، عاطفی و یا ارجاعی در شعر مقاومت رخ می‌نماید:

ز رزمتان شده دشمن ز خاک میهن دور / درود ما به شما ای سپاهیان غیور
هزار تهنیت ای عاشقان راه حسین (ع) / که تنگ عرصه به دشمن نموده‌اید چو گور
خدای من تو نگهدار کشور ما را / به حق مکرمت خویش تا زمان ظهور

(صالحی، ۱۳۸۷: ۷۵-۷۳)

جهت‌گیری پیام در دو بیت اول غزل «نماز شکر گزاریم» از صالحی به سوی مخاطب است (کارکرد ترغیبی). در این ابیات کارکرد همدلی نیز وجود دارد؛ زیرا شاعر در پی ایجاد ارتباط با مخاطب عام است. اما در بیت آخر با تغییر مخاطب و استفاده از دعا شاعر سعی در ایجاد کارکرد فرازبانی و ادبی دارد؛ زیرا ذهن مخاطب به سمت رمز نهفته در بیت آخر پیام می‌رود.

به دریا می‌زنم هر شب دل نام آور خود را

تو هم ای اشک جاری کن تمام باور خود را

... قناری لاله، آویشن، سحر، سجاده، نی، گنجشک

شبی باید بیندم کوله بار پرپر خود را

قلم تنها رسول آیه‌های آسمان خیزاست

و با خود می برم این آخرین پیغمبر خود را

(عباسی، ۱۳۸۷: ۴۵-۴۴)

در بیت اول غزل قلم، جهت گیری پیام در مصرع اول به سوی گوینده و در مصرع دوم به سوی مخاطب خیالی (اشک) است که کارکرد ترغیبی زبان را نشان می دهد. در بیت دوم، جهت گیری پیام هم به سوی رمز (در مصرع اول) و هم به سوی خود پیام (در مصرع دوم) است که بیانگر کارکردهای فرازبانی و ادبی زبان است. مصرع اول بیت سوم دارای کارکرد ارجاعی و مصرع دوم آن دارای کارکرد عاطفی است. پس کارکردهای زبانی در یک اثر غیرقابل تفکیک اند.

عصر پاییز، خلوت شطرنج، مهره های سفید... - دیگر هیچ

فکرهای سیاه در حرکت، هر که اول رسید... - دیگر هیچ

... خواب های سیاه جاماندند، مهره های سفید اما نه...

سهم ماهم دلی مقوایی، از سیاه و سفید؟ دیگر هیچ

(محمدپور، ۱۳۸۶: ۵۶-۵۵)

بارزترین کارکرد زبان در دو بیت بالا از محمد پور کارکرد فرازبانی است. پس از آن، کارکرد ادبی به چشم می خورد که جهت گیری پیام به سمت خود پیام است. غزل از سیاه و سفید، تصویری است؛ میدان جنگ به صفحه شطرنج بدل شده است. مهره های شطرنج، نشانگر عنصری در صحنه پیکار هستند و کیش، تهدیدی است که با پاسخ کوبنده رزمندگان خنثی می شود.

نیکوی شاعر دوره جنگ نیست؛ اما از آن جا که مخاطب و زمینه اشعارش مربوط به آن دوره است، رویکرد عاطفی و ترغیبی در شعر او بیش از سایر رویکردها دیده می شود:

می روم مریم من، پشت سرم گریه نکن / بعد از این جان تو جان پسر، گریه نکن

... یک نفر می رسد از راه و پلاکم با اوست / تو نمی بینی ام و پشت درم، گریه نکن

آه! برخاست زن از خواب و کسی درمی زد/پسرش گفت که آمد پدرم، گریه

نکن

(نیکوی، ۹۰: ۳۵-۳۳)

در غزل «لیلایی ۱۴» انتخاب ردیف به صورت منادا نشان دهنده هم کلامی راوی با مخاطب است. (کارکرد ترغیبی) و جهت‌گیری پیام در دو بیت آخر به سوی گوینده است. (کارکرد عاطفی).

۲-۵-۲- **لحن:** لحن از عوامل ارتباط در گفتار است. لحن و زبان شاعران تحقیق بسته به زمان و موضوع شعر متفاوت است؛ گاه حماسی می‌سرایند و گاه لطیف و عاطفی. زبان شعری صالحی بینابین است؛ اما توجه به زبان شاعران کلاسیک در حدی نیست که او را به باستان‌گرایی سوق دهد. عاملی که در شعرهای صالحی، از سلاست زبان می‌کاهد، به هم ریختگی زمان کاربرد جملات (دستور زبان دوره‌های دور و نزدیک) و استفاده ناگهانی از واژه‌های منسوخ ادبیات فارسی است:

ردای خون همه بر قامت شما موزون / هلا سپیده پرستان وسعت دیجور

(صالحی، ۱۳۸۷: ۷۴)

صالحی در دوره جنگ، بیشتر به مفاهیمی چون ستایش رزمندگان، دعوت به پیکار، لیک به امام (ره)، شهادت، دفاع مقدس و کربلا و... پرداخته است. اما غزل‌های پس از جنگ، درباره تجدید میثاق با شهدا، قدرشناسی امام (ره) از شهدا، باز شدن راه کربلا، بازگشت اسرا و... سروده شده است.

استفاده از زبان محاوره در شعرهای سپید صالحی بارزتر از سایر قالب‌هاست. شعر او قبل از انقلاب نسبت به پس از انقلاب دارای زبانی نوگرایانه‌تر بوده است. پس از انقلاب، محتوای شعر صالحی تغییر کرد و او بیشتر به مفاهیمی چون دفاع مقدس پرداخت که روی زبان غزل‌هایش تأثیر گذاشت و حال و هوای «حافظ» اندکی در غزل‌های دوران جنگ او پدیدار گشت. زبان شعری او از سه شاعر دیگر قدیمی‌تر است. او در دوره‌ای درخشید که شعر دفاع مقدس، هنوز زبان و ساختار محکمی برای کلامش پیدا نکرده بود.

عباسی لحن و زیبایی میانه رو دارد. نشانه‌های زبان کلاسیک در آثار او کمتر است، در سروده‌های عباسی به عنوان نسل میانه، ویژگی‌های زبان امروز بیشتر دیده می‌شود. در کنار صلابت، کارکرد عاطفی اشعار او در خور توجه است. عنصر عاطفه در شعر عباسی پررنگ‌تر از صالحی است؛ اما در مقایسه با اشعار محمدپور و نیکوی کم رنگ‌تر است. گاه در لحن غزل‌های عباسی بلا تکلیفی دیده می‌شود؛ مثلاً در غزلی با لحن توفنده، بیتی لطیف می‌آورد:

بالی نمانده تا بتوانم پس از سقوط / خود را به آسمان برسانم پس از سقوط
سببی به کوزه‌مان زد و آوازمان شکست / دلواپس دو لقمه نانم پس از سقوط ...
جز تیغ‌های آخته بر ما نریخته ست / از آسمان سرخ جهانم، پس از سقوط

(عباسی، ۱۳۸۷: ۸۰ - ۷۹)

این شیوه استفاده از لحن متفاوت گاهی حسن و گاهی ایراد تلقی شود که در بیت‌های بالا چندان خوش ننشسته است. در برخی آثار او، کارکرد خاص زبان، عاطفی و همدلی است:

باز تا دیر وقت می‌مانم، تا مبادا که پشت در باشد
به دلم هی خیال می‌افتد، می‌شود ای خدا پدر باشد ...
می‌تواند بزرگ هم بشود، می‌تواند به کوچه هم بزند
غیرممکن نه واقعاً سخت است بتواند کسی پدر باشد ...

(همان: ۴۳-۴۲)

زاویه دید عباسی به دفاع مقدس و دوران پس از آن، تنها ستایشی نیست. از نظر محتوایی نیز، سروده‌های او در زمینه‌هایی غیر از شعر مقاومت، قدرت شاعری او را در ذهن منتقدان و مخاطبان ارتقا داده است.

محمدپور بیشتر به کارکردهای عاطفی و همدلی زبان توجه دارد تا انگیزشی و ارجاعی و غیره. او از کارکردهای زبان به خوبی آگاه است. اگر چه صلابت زبانش، گاه کمتر از صالحی و عباسی است که می‌تواند اقتضای موضوع سروده‌هایش باشد؛ اما در شعر محمدپور، لحن و زبان با هم ارتباط بهتر و بیشتری دارد تا لحن و زبان صالحی و عباسی. لحن ساده به صمیمیت شعرهای محمدپور می‌افزاید:

در این حوالی دروغ باورت نمی‌شود/ دلم چه تنگ می‌شود برای مهربانی

ات

(محمدپور، ۱۳۷۶: ۴۹)

احساس و عاطفه در آثار محمدپور به مراتب از صالحی و عباسی بیشتر است؛ اما مانند اکثر اشعار نیکوی، احساس بر عناصر دیگر شعر غلبه ندارد. محمدپور از جوهر خیال، عاطفه و اندیشه برای بیان احساسات خود به تناسب بهره می‌گیرد: این کوچه هم به نام تو سامان گرفته است/ امشب عجیب حال خیابان گرفته است مادر برای آمدنت نذر می‌کند/ مادر برای قبر تو قرآن گرفته است ... دیگر بیا عزیز که این پنج شبه هم / خرما گرفته است پدر، نان گرفته است...

(همان: ۵۴-۵۵)

لحن صمیمی نیکوی با عاشقانه‌های او هماهنگ است و مخاطب همدلی امیدوارانه را در شعرش احساس می‌کند و همراهی او را می‌پذیرد. لحن زنانه ویژگی خاص اشعار نیکوی است. در بیت زیر تصویری ناب از ارتباط عاشقانه رزمنده و همسرش کارکرد عاطفی، همدلی و ادبی زبان را نشان می‌دهد: بغض مرا شکسته‌ای و خنده می‌کنی / هی خنده، سرفه، گریه و چشمان هر دو تر

(نیکوی، ۱۳۹۰: ۱۰)

پررنگ‌ترین کارکردهای زبان در آثار نیکوی عاطفی، همدلی و ادبی است. محمدپور و نیکوی دوره سنی و شاعری نزدیک به هم دارند؛ اما تغییر زبان شعری نیکوی نسبت به زبان اوایل انقلاب و دوره دفاع مقدس، بیش از محمدپور است. مقایسه ویژگی‌های زبانی نیکوی با صالحی، به خاطر تفاوت سن و نیز تفاوت دوران اوج شاعری‌شان چندان صحیح نمی‌نماید؛ چرا که صالحی فرزند زمان خویش است و مقایسه کامل اشعار او با هم عصرانش منطقی‌تر می‌نماید.

گاه صنایع ادبی موجود در شعر نیکوی فراموش می‌شود:

... شسته خون چفیه و پیراهنت را توی حوض / اشک چشمش باز دارد می‌چکد از بندها
استکان افتاد از دستت، دل مادر شکست / شور شد با اشک مادر، طعم حبه قندها ...

(همان: ۱۸)

مصرع اول، بیانگر مهر مادرانه است. شستن لباس فرزند، امری است طبیعی؛ اما آغشته به خون بودن لباس و چفیه، ورود احساس درد به شعر است که در مصرع دوم، این حس با ریختن اشک مادر کامل می شود. تلفیق اشک و آبی که از لباس های روی بند می چکد، تفکر خاص شاعرانه است که می تواند بیانگر غرق شدن وجود مادر در فرزند رزمنده اش باشد. هماهنگی عملکردهای روزمره فرزند با قلب مادر (افتادن استکان از دست فرزند و شکستن دل مادر) نیز نشان از عشق مادر به فرزند است. ابیات به مدد روح زنانه شاعر توانسته اند عمق رابطه مادر و فرزند را در شعری با درون مایه مقاومت نشان دهند. تشبیه اشک به آب در حال چکیدن از بند که تشبیه مضمهر چشم مادر به چفیه و پیراهن فرزند را به دنبال دارد، تشبیه استکان به قلب مادر و تغییر شیرینی حبه قندها به شوری، همه آرایه هایی هستند که در مقابل مفهوم عمیق ابیات در سایه قرار گرفته اند.

در مقایسه لحن و زبان شعرها، در حین و بعد از دفاع مقدس می توان به پاره هایی از دو غزل صالحی توجه کرد:

رفتی و نرفته است هوای تو ز سرها / داغ تو کمر بست به تسخیر جگرها
...مست می این جام چه پروا کند از جان / گر جلوه کند ساقی کوثر به نظرها؟

(صالحی، ۱۳۸۷: ۷۱-۷۰)

صالحی دو بیت بالا را در آذر ماه سال ۱۳۶۰ و دو بیت زیر را در اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۰ سروده است.

کربلا آغوش خود وا کن که یاران آمدند / عاشقان آفتاب از شهر باران آمدند
خاکبوس در گه شاه شهیدان جهان / چون نسیم از دشت و صحرا بی قراران آمدند

(همان: ۹۳-۹۱)

۲-۶- زبان هنری بلاغی دفاع مقدس

در بحث زبان هنری بلاغی باید به سه مقوله زبان، هنر و بلاغت توجه داشت. شاعر می تواند از قوانین موجود در این موضوعات استفاده کند تا به کلام خود برتری بخشد. او به رابطه پنهانی کلمات، از نظر معنا، آوای کلمات و مشخصه هایی

که باعث ایجاد تفاوت نوشته‌های ادبی با نوشته‌های علمی می‌شود، برای خلق اثری ماندگار توجه ویژه دارد. هر چه دایره‌واژگانی ذهن شاعر گسترده باشد، در تصویرسازی و خلق چیدمان مناسب برای بیان مقصود موفق‌تر است. لذا اندیشیدن نیز برای شاعر راحت‌تر خواهد شد (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۲۷۵).

سرگشتگی شاعران در زمان انقلاب نسبت به انتخاب قالب، زبان و سبک در اشعار پایداری، بعد از زمانی به پایان رسید و زبان شعر مقاومت، استواری یافت؛ گاه حماسی، گاه دردناک. مثلاً در باب تحمیلی بودن جنگ و ناجوانمردی دشمن بعثی، عباسی چنین سروده است:

کی گفته بودم بیاید، ای دردهای فراهم / بغضی گلوگیر دارم، آواره‌ای در نگاهم

(عباسی، ۱۳۸۷: ۵۱)

کی گفته بودم؟ (استفهام انکاری)، منادا قرار دادن درد (انسان‌نگاری درد)، تشبیه بغض به آواره‌ای در نگاه که معلوم نیست تبدیل به اشک می‌شود یا نه، غم‌های تحمیل شده به مردم را تصویر می‌کنند؛ کلامی کنایه آمیز، همراه با تشبیه و استعاره. موفقیت شاعران در خلق آثار ادبی با تسلط بر کارکرد عاطفی زبان نیز امکان‌پذیر است:

... چه مانده از تو به جز یک پلاک و پیراهن / و این غبار نشسته به بند بند تنت

دلش گرفته و امشب دوباره خیره شده / به عکس سوخته‌اش توی جیب پیرهن

(نیکوی، ۱۳۹۰: ۱۶)

۲-۶-۱- بررسی آرایه‌های ادبی در شعر شاعران تحقیق

در بررسی زبان هنری و بلاغی شاعران، آرایه‌های ادبی مختلف به چشم می‌خورد. در این بخش، ابتدا آرایه مجاز، تشبیه، استعاره، کنایه، سمبل و تکرار به عنوان ابزارهای بیانی تأثیرگذار در شعر مقاومت بررسی می‌شود، سپس به مبحث خوشه‌های تصویری پرداخته شد.

صالحی شاعری ترکیب‌ساز، توانمند در سرودن شعر در مواقع سخت و آگاه به تفاوت نظم و شعر است و می‌داند «هر شعری چون موزون و مقفی است، نظم است؛ ولی هر نظم شعر نیست» (دلیری مالوانی، ج ۱، ۱۳۷۶: ۲۲).

او به طور محسوسی به تشبیه پرداخته است. تشبیه میهن به شهیدستان و مادران به همیشه سوگواران فرزندان رزمنده خویش، از نمونه‌های تشبیه در غزل‌های صالحی است: از شهیدستان میهن، شکوه بر لب، دادخواه/ مادران؛- این تا قیامت سوگواران- آمدند

(صالحی، ۱۳۸۷: ۹۲)

شعر صالحی بیشترین میزان تشبیه و استعاره را دارد. تشبیه در غزل صالحی، بیش از دو برابر استعاره است. در زمان جنگ، شاعری مثل صالحی، فرصت خلق آرایه‌های پیچیده‌تر مثل استعاره را ندارد؛ نیز، استعاره زبان را پیچیده می‌کند؛ در حالی که شاعر این دوره، به ابلاغ پیام می‌اندیشد نه آرایش کلام. اگر گاه به استعاره‌ای در شعر جنگ برخورد کنیم، چنان نیست که زبان شاعر برای مخاطب قابل فهم نباشد، مانند استعاره‌های بیت زیر از غزل دعای تحویل سال صالحی که در دوران جنگ (فروردین ۱۳۶۴) سروده شده است:

یا نروید در چمن، گل‌های رنگارنگ و خندان/ یا که در کنج قفس، مرغ گرفتاری
نباشد (همان: ۷۶)

چمن، گل‌های رنگارنگ و خندان، کنج قفس، مرغ گرفتار به ترتیب استعاره از وطن، جوانان میهن، اسارتگاه‌های دشمن بعثی و نیز اسیران در بند هستند. صالحی علاوه بر تشبیه و استعاره، کنایه پردازی نموده است:

بیا به نغمه شادی فلک به رقص آریم (همان: ۸۰)

فلک به رقص در آوردن کنایه از ایجاد شادی و نشاط است که با توجه به موضوع غزل، نوید فتح قریب (پیروزی رزمندگان ایران در عملیات والفجر ۸) مناسب حال است.

در غزل‌های صالحی، تصاویر تکراری وجود دارد که محدود به غزل‌های جنگ نیست:

من و متابعت آن دلیل وادی عشق / که بی هدایتش از ره نبود تاب عبور

(همان: ۷۵)

اگرچه گاه ترکیب‌ها و تصاویر شعری صالحی با تصویرهای شعر امروز فاصله دارد، اما قدرت و خلاقیت او قابل انکار نیست. او نیز مانند نیکوی، از برخی آرایه‌ها در یک مجموعه، زیاد استفاده می‌کند، مثل ترکیب مام وطن یا مادر وطن که در صفحات ۱۱، ۴۵، ۶۰، ۶۱، ۷۳، ۹۰ آمده است (همان).

بررسی دستوری زبان، موضوع این تحقیق نیست؛ اما ذکر این نکته ضروری می‌نماید که: «برخورداری از دستور زبان درست، نخستین شرط سلامت زبان

است. این ویژگی نه تنها انتقال و درک معنای شعر را تسهیل می‌کند؛ بلکه میراث زبانی یک قوم نیز حفظ می‌گردد» (عباسی، ۱۳۸۸: ۶). اختیار شاعر در انتخاب زبان نباید از تأثیر کلام بکاهد. به عنوان نمونه، صالحی و مردانی از شاعران دوران جنگ‌اند؛ اما اشعارشان از حیث زبان و انتخاب واژگان متفاوت است. زبان شعر مردانی در دوره جنگ نسبت به زبان شعر صالحی همگون‌تر است:

شیرازه اوراق جنون یکسره بگسست / شرح تو که شد زمزمه کوی و گذرها
(صالحی، ۱۳۸۷: ۷۱)

دلت کتیبه خورشید روزگاران است / صدای خون تو در آیه‌های قرآن است
(مردانی، ۱۳۷۰: ۷۲)

عباسی نیز مانند صالحی بیشترین توجه را به تشبیه داشته، سپس به کنایه پرداخته است. تفاوت فراوانی تشبیه و کنایه در شعرهای او اندک است (تشبیه ۳۱/۸۵٪ و کنایه ۳۰/۵۵٪) و استعاره (۱۹٪) و در جایگاه سوم قرار دارد. مطالعه آثار عباسی، تلاش او را برای آفرینش آثاری با زبان استوار، همراه با کارکردهای عاطفی، انگیزشی و ادبی نشان می‌دهد:

به انتظار تو چشمی به راه دارد باغ / روا مدار بمیرد، گناه دارد باغ
(عباسی، ۱۳۸۷: ۷۳)

گاه شاعر به دلیل تازگی بیان، بیتی را بدون توجه به اثرگذاری می‌نویسد:
... حال من این گونه است، فردا نخواهد بود / دیروز بی کفتر، امروز بی زیتون
(همان: ۸)

گاه کلامی ثبت می‌شود که چون حکمی، مورد پسند خواننده قرار می‌گیرد:
... تابوت بی درخت و کبوتر، اگر چه سخت ... / بی شبهه با تمامی دنیا برابر است ...
(همان: ۱۶)

گاه از سروده‌های لطیف دیگران نیز بهره می‌گیرد و خود به کمک شعر خود می‌آید:

... بی بال و پر پرید و شاعر چه خوب گفت: «حتی بدون بال، کبوتر کبوتر است»...

(همان)

گاه، تصویر خلاقانه شاعر، زمخت به نظر می‌رسد و می‌تواند مخاطب را
آزرده خاطر کند:

آن روزها سبز می‌شد از سایه ام سروهایی / امشب غزل‌های سرخی روئیده
از شب کلاهم

(همان: ۵۱)

گاه انتخاب ردیفی بی‌ارتباط سبب ضعف بیت می‌گردد:

اگر این قدر پشت شعرهایم بدنمی گفتید / همین جا می‌سرودم بی‌ریا البته می‌بخشید

(همان: ۶۵)

با همه این‌ها عباسی شاعری موفق در زمینه دفاع مقدس است. تأویل‌پذیر بودن
تصاویر، نشان موفقیت او در کارکرد ادبی است؛ او به مفاهیمی چون فلسطین،
تلفیق درون مایه‌های انتظار و شهید، آسمانی بودن شهید، تلفیق عاشورا و جنگ و
... به خوبی پرداخته است.

محمدپور، فروغ شاعری خود را در پرداختن به درون مایه مقاومت می‌بیند. او
نیز مثل صالحی و عباسی در غزل‌هایش به تشبیه اولویت داده (۳۰/۱) و بعد
استعاره پردازی (۲۶/۲) کرده است. در اشعار محمدپور، کنایه (۲۳/۳) در درجه
سوم اهمیت قرار دارد. در میان این شاعران، میزان اختلاف کمی سه آرایه تشبیه،
استعاره، کنایه در غزل‌های محمدپور کم‌تر است. در تشبیه‌های محمدپور مانند
سه شاعر دیگر، اضافه تشبیهی زیاد به چشم می‌خورد که به نظر می‌رسد دلیل آن،
فضای اندک لازم برای این آرایه و اعجاز بدیعی آن در غزل و تک بیت‌هاست:

چه داغ پرستاره‌ای است برجین آسمان (محمدپور، ۱۳۸۶: ۴۹)

آسمان در هیئت انسانی در آمده که داغدار است، می‌توان استنباط کرد: انسان‌هایی
که در دفاع مقدس داغ را به دل حس می‌کنند، سینه‌ای به وسعت آسمان دارند.

از زخم خیز حنجره فریاد، تفسیر کن دوباره به بغضی سرخ (همان: ۵۱)

اگر چه تصویر در تصویر بودن این مصرع آن را کمی پیچیده کرده است، اما
بیان احساس شاعر زیباست. حنجره‌ای زخم خیز، چون زمینی که گاه حاصل خیز

است و گاه نیست. زخم را چگونه می‌توان حاصل دانست؟ و این جاست که تفاوت کلام شاعر با انسان‌های عادی ملاحظه می‌شود. شاعر در خلق تصویر به ذهنیت خویش عینیت می‌بخشد. گاه، شاعر چنان در درون مایه شعر خویش غرق می‌شود که زبان شاعرانه را فراموش کرده و به صریح‌گویی می‌پردازد و کلماتی چون پرچم، آتش بس را وارد شعر می‌کند:

عصر پاییز، خلوت شطرنج، مهره‌های سفید...- دیگر هیچ

فکرهای سیاه در حرکت، هر که اول رسید...- دیگر هیچ...

ناگهان اهتزاز پرچم‌ها، ناگهان شعله‌های آتش بس

کوچه‌ها مان پر از فراموشی، خانه‌ها مان شهید ... دیگر هیچ ...

خواب‌های سیاه جامانند، مهره‌های سفید، اما نه ...

سهم ما هم دلی مقوایی، از سیاه و سفید، دیگر هیچ

(همان: ۵۶)

محمدپور، شعر سپید را بیشتر می‌پسندد؛ اما قابلیت تأویل و بحث‌پذیری غزل‌ها، تأثیر کلام و زبان بلاغی وی، قابل توجه است. استعاره‌ها و کنایه‌ها، گاه تکراری و گاه خلأقانه است:

پرواز آواز خوبی‌ست، وقتی هراس قفس نیست/ باید کبوتر بمانم آری کبوتر پس از این

(همان: ۵۷)

بعد در شهر «اسب»‌ها زین شد هر «سواری» رسید فرزین شد

بعد هم جام زهر تسکین شد پیرما سر کشید دیگر هیچ ...

(همان: ۵۸)

حق دارد آه، ماه برای رهایی‌ات / یک آسمان ستاره گروگان گرفته است

(همان: ۵۳)

گاه، مصرع اول اصلاً شاعرانه نیست؛ اما مصرع دوم به خوبی بیت را می‌بندد:

کو مرد رزم آور میدان‌ها؟ در خود کسی سراغ نمی‌گیرد

این سال‌ها مجسمه‌ات انگار، پر کرد جای خالی میدان را

(همان: ۵۲)

گاه نیز تکراری بودن محور معنایی بیت، مخاطب را آزار می دهد:
اینک کجاست سیره «خوش سیرت»؟ در دست کیست پرچم «املاکی»؟
وقتی هنوز جای خیابان‌ها می آورند نام شهیدان را؟!
(همان)
سمبل ساختن از ابوذری بیتی را که در آن کنایه، تکراری است به زیبایی به
پایان می برد:

اینجا پر از کاخ سبز است، من هم سری سبز دارم
اما زبانم که سرخ است مثل ابوذری پس از این
(همان: ۵۷)

محمدپور، درد دل مادر شهید با فرزند، شیمیایی‌ها، افول و تغییر ارزش‌های
جامعه امروز (شعر اعتراض) و... را موضوع اشعار خویش قرار می دهد. مطالعه
آثار او بدون نگاه نقادانه، از دریچه التذاذ ادبی، بر مخاطب بسیار تأثیر می گذارد
که این خود موفقیتی است.
نیکوی - عاطفی‌ترین شاعر این بررسی - صنایع بدیعی را به خدمت احساسش
گرفته است:

من آن نهال که در چهار فصل پاییزم / ولی به پای تو عمری بهار می‌ریزم
(نیکوی، ۱۳۹۰: ۱۱)

او به کنایه گرایش زیادی دارد. مصرع مقابل کنایه از شدت انفجارها است:
پر کرده گوش کوچه‌ها را سوت نارنجک ... (همان: ۵۸)
و مصرع اول بیت زیر کنایه‌ای تکراری است؛ اما با وجود مصرع دوم زیباست:
خورشید من از ابرها بیرون می‌آید / این ابر باران را اگر بگذارد ای ماه
(همان: ۵۵)

نیکوی پس از کنایه، بیشتر به تشبیه پرداخته است:
منم شبیه به رودی زلال و سر در گم / که پیش وسعت دریایی تو ناچیزم
(همان: ۱۱)

اختلاف کنایه و تشبیه در غزل نیکوی در میان آرایه‌های یادشده بسیار محسوس است؛ به طوری که این اختلاف کمی در غزل سه شاعر دیگر تا این اندازه چشمگیر نیست. پس از کنایه و تشبیه، نیکوی به استعاره توجه داشته است.

کاربرد «اللهه ناز» استعاره از همسر رزمنده در مصرع زیر بسیار زیباست:

پیر شد آن اللهه نازت، می رود بی تو رو به ویرانی (همان: ۲۰)

در اشعار نیکوی تشبیه دو برابر استعاره به کار رفته است.

مخواه از تو و عشق تو دست بردارم / مخواه از تو و این زندگی پرهیزم

(همان: ۱۱)

در شعر او گاه در کنار تصویرهای زیاد به بیتی خالی از تصویر می‌رسیم:

آه! برخاست زن از خواب و کسی در می‌زد / پسرش گفت که آمد پدرم، گریه نکن

(همان: ۳۵)

تصاویر ساختگی و کلمات متکلفانه در سروده‌هایش اندک است. در اشعار نیکوی ارتباط زبانی در محور عمودی قوی‌تر است. این تأثیر می‌تواند به دلیل فضای روایی آثارش باشد:

درد و بلای چشم تو را می‌زنم به سر / اسمی از آسمان و پریدن فقط نبر

...من پشت در شهید شدم شعله‌ور شدم / ترکش گرفت قلب زنی را که پشت در

بعد از خدا به غربت دیوار تکیه کرد / وقتی که دید از تو فقط مانده یک خبر ...

(همان: ۱۰-۹)

لحن زنانه در شعر نیکوی بیشتر منعکس شده است. زبان سلیس، خاصیت زمزمه پذیری در شعر پدید آورده است:

می‌روم مریم من، پشت سرم گریه نکن / بعد از این جان تو جان پسرم، گریه نکن

گوشه چادرت از اشک به شور آمده است / طاقتم طاق شده جان به سرم، گریه نکن

(همان: ۳۳)

گاه با سرودن ابیات بدون فعل برجسته‌سازی می‌کند و هنجارگریزی شاعر در

کنار چاشنی همیشگی شعرش (احساس) رخ می‌نماید:

کاخ سفید و دایره ای سرخ در غروب سنگ و تفنگ و حنجره‌ای سرخ در
غروب...

چشمان مادران به خون گریه آشنا/ در ناکجای منظره‌ای سرخ در غروب
دستان ندبه خوان درختان سبز نیز/ هرروز رو به تبصره ای سرخ در غروب

(همان : ۶۱)

شعر نیکوی تلفیقی از ادبیات و روان شناسی است، یینه‌ای از واکاوی
شخصیت درونی او.

رنگ تیره به تو نمی آید / روسری سیاه را بردا (همان : ۶).

اودر شمارشاعران موفقی است که به خوبی توانسته با همسران شهدا همزاد
پنداری کند:

مرا دوباره به حال خودم رها کردی/خدا نشان ندهد داغ مرد را به زنی

(همان : ۲)

تصاویر شعری نیکوی رنگ و بوی تقلید ندارد؛ اما او برخی تصاویر را در
مجموعه‌اش مکرر به کار می‌گیرد؛ مثل تکرار تصویر شکوفه‌های انار در صفحات
۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۲ (همان).

مجاز، سمبل و تکرار در غزل شاعران، کم فروغ بود. نمودارهای درصد
فراوانی انواع آرایه‌ها در غزل‌های پایداری چهار شاعر تحقیق که در پایان آمده
است، گویای این مطلب است.

۲-۶-۲- خوشه‌های تصویری در شعر شاعران تحقیق

اشیا و پدیده‌هایی که شاعر در تصویرسازی از آنها بهره می‌گیرد، خوشه‌های
تصویری نامیده می‌شود. میزان کمی استفاده از خوشه‌ها در شعر شاعران در
نمودار ستونی پایان این بررسی آمده است. در این قسمت به واژگانی که شاعران
در خوشه‌های مختلف بدان توجه داشته‌اند اشاره می‌شود:

خوشه تصویری طبیعت: بیشترین بسامد را در شعر هر چهار شاعر دارد.

صالحی: لاله، گل، شقایق، ابر، بیابان، آسمان، بوستان، گلستان.

عباسی: گل، باران، بیشه، ریحان، درخت، دریا، کویر، ابر، مزارع شالی» و ...

محمدپور: گل، باران، درختان، تکه ابر، صنوبر و ...
نیکوی: گل، باران، درخت، ابر، شکوفه، انار، نهال، بهار، پاییز، رود، دریا،
برف، زمستان، باد.

خوشه تصویری صفات و درونیات مثبت و منفی انسانی

صالحی: وفا، فنا، زخم، ارادت، اشک، غم، انتظار، داغ، زاری، بیم، همت،
عزا، عیادت، طواف و ...
عباسی: اشک، گریه، خنده، غم، کینه، عاطفه، قهر، دلشوره، حسرت، بغض،
غرور.

محمدپور: فکر، بغل کردن، بغض، گروگان گیری، دروغ، مهربانی.
نیکوی: راهزنی، خنده، بغض، تشنه، شرف، اخم، جرأت، صبر، آه، خونگریه،
داغ و ...

خوشه تصویری مذهب: صالحی: خدا، کربلا، نینوا، نماز، سجاده، محراب،
قیامت و ...

عباسی: ملکوت، گندم، برزخ، حجرالاسود و ...
محمدپور: قرآن، خواب‌های آسمانی، نذر، حاجت گرفتن، دعا و ...
نیکوی: خداوند، حلال، ابراهیم، یوسف، علی(ع)، قرآن، روح، نماز، قنوت،
یا زهرا، توسل، دعا، ندبه و واژه معکوسی چون ابلیس .
خوشه تصویری واژه‌های جنگی و شهادت و ...: صالحی: شهید، جانباز،
رزمنده، زخم، فتح.

عباسی: خون، مردان پولاد و آهن، سنگر، تاول پرستی، آتش، شهیدان، خردل
و ...

محمدپور: آتش بس، سوار، سنگر، موج جنون، آتش، نفس‌های لخته، گاز
اعصاب، شهید.

نیکوی: شهید، سنگر، موج جنون، آتش و خون، لشکر، ترکش، جنگ،
اروند، تاول، شرف.

خوشه تصویری وسایل جنگی: صالحی: سپر و تیغ. عباسی: پلاک، قمقمه،

کلاه و فلاخن.

محمدپور: خنجر. نیکوی: سپر، پلاک، توپ نفربر، چفیه، اسلحه، مین و ...

خوشه تصویری اعضاء و جوارح انسان:

صالحی: دست، پا، کمر، سر، چشم، گوش و قلب ... عباسی: دست، پا، سر،

چشم و ...

محمدپور: دل، دست، پا، سر، چشم، زبان و ... نیکوی: قلب، دست، پا، سر،

چشم، زانو و سلول.

خوشه تصویری پرواز: صالحی: کبوتر، پر، فاخته، پروانه، هزار، پرنده، طایر

بهشتی و ...

عباسی: پرنده، پرزدن، کبوتر، ققنوس، بال و کوچ.

محمدپور: پرواز، پرزدن، کبوتر و تعبیر معکوسی مانند قفس.

نیکوی: پریدن، بال و پرزدن، بال‌های ملانک، کبوتر، گنجشک، بادبادک و ...

خوشه تصویری نور: صالحی: نور، آفتاب، ماه و ستاره، افق، آسمان، شمع و

فانوس، چراغ و ...

عباسی: چراغ، شعله، آذرخش، روشن و تصاویر معکوسی مثل غروب و شب.

محمدپور: ستاره، ماه، آسمان و تصاویر معکوسی عصر و غروب.

نیکوی: آسمان، ستاره، ماه، روز، خورشید، شمع، صبح و تصاویر معکوسی

مثل شب.

خوشه تصویری وطن: صالحی: وطن، میهن و کشور و ... عباسی: حماسه.

محمدپور: حماسه و پرچم. نیکوی: حماسه و وطن.

خوشه تصویری راه: صالحی: ره، کوی و گذر، گذرگاه و ...

عباسی: کوچه، جاده، بلندی‌های بالادست، همسفر. محمدپور: سفر، راه،

رسیدن، رفتن.

نیکوی: آخرین دیدار، راه، قطار، سفر و خداحافظی، می‌روم، همسفر و ...

خوشه تصویری وسایل غیر جنگی: صالحی: سجاده، فانوس، جام، ردا.

عباسی: کوله بار، دفتر، قلم، آبرنگ، پیراهن، عکس، عصا، کوزه و ...
محمدپور: تقویم، مجسمه، مهره های شطرنج، پیراهن، عکس، تپله، چوب و ...

نیکوی: قطار، چادر، میل بافتنی، پیراهن، عکس، روسری، جلیقه، در، تور
عروسی، بندرخت، استکان، حبه قند، کفش، عروسک، سکه، چای، شال، بارانی،
چتر، آلبوم و ...

خوشه تصویری **خشم**: صالحی: انتقام و خصم ددمنش و ... نیکوی: تبر، تیغ و
جیغ.

عباسی: شمشیر، سیلی، خون، دیو، فوج. محمدپور: زخم، تبر، خون، تحمیل،
حمله‌های شدید.

خوشه تصویری **موسیقی**: صالحی: خوش نوا، نغمه شادی، ترانه.

محمدپور: رقص، موسیقی، ترانه، بخوان.

عباسی: ترانه، آواز، کل کشیدن، می خوانم و می رقصم، نی.

نیکوی: ترانه، سازدل، موسیقی، گلپونه های بسطامی، سوت زدن، لب آهنک.

خوشه تصویری **ادبیات**: عباسی: شعر، غزل، داستان، مغزله، واژه، گزاره.

محمدپور: شعر، مبتدا، خبر، جمله، بنویسید. نیکوی: شعر، ورق، جمله.

خوشه تصویری **آینه**: در شعر عباسی و نیکوی: آینه.

۳- نتیجه گیری

بررسی آثار چهار شاعر گیلانی نشان می‌دهد که غزل در کنار رباعی و
دویتی، قالب مناسبی برای ثبت لحظات سرنوشت ساز ملت ایران بوده است.
شعرهایی که به زمان جنگ نزدیک‌ترند، ساده و روان اند و این سادگی، گاه به
حد شعارگونگی می‌رسد. هر چه از دوره جنگ فاصله می‌گیریم، صنایع ادبی،
بیشتر در اشعار پایداری رخ می‌نماید. بهمن صالحی، شاعر قبل و بعد از انقلاب
است و قدرت ادبیش را با خلاقیت و ترکیب سازی قوی نشان می‌دهد؛ شاعری
که کارکرد انگیزشی در شعرهایش به همراه کارکرد ادبی مشهودتر است. در

مورد کمیّت تصاویر صالحی در دوره جنگ به این نتیجه می‌رسیم که شاعر در دوره جنگ کمتر فرصت پیرایه دادن به سخنش را دارد و از این رو بیشتر تصاویر خلق شده توسط او، مربوط به دوران بعد از جنگ است. عباسی و محمدپور نیز مانند نیکوی شاعران پس از دفاع مقدس می‌باشند و هنگام سرایش شعر به اندازه کافی فرصت خیال‌انگیزی دارند. جمشید عباسی، شاعری است از نسل میانه که در دوره جنگ، دردها را حس و پس از آن شروع به نوشتن و سرودن کرد. آثارش گاه زبانی پر صلابت و گاه لطیف دارد. پس از صالحی در شعرهای عباسی کارکرد انگیزشی بیش از محمدپور و نیکوی دیده می‌شود. اسماعیل محمدپور اگرچه سپیدسرایی را در شعر مقاومت ترجیح می‌دهد، غزل سرای توانایی است. احساس و تخیل جایگاه متعادل و تقریباً برابری در شعر او دارد.

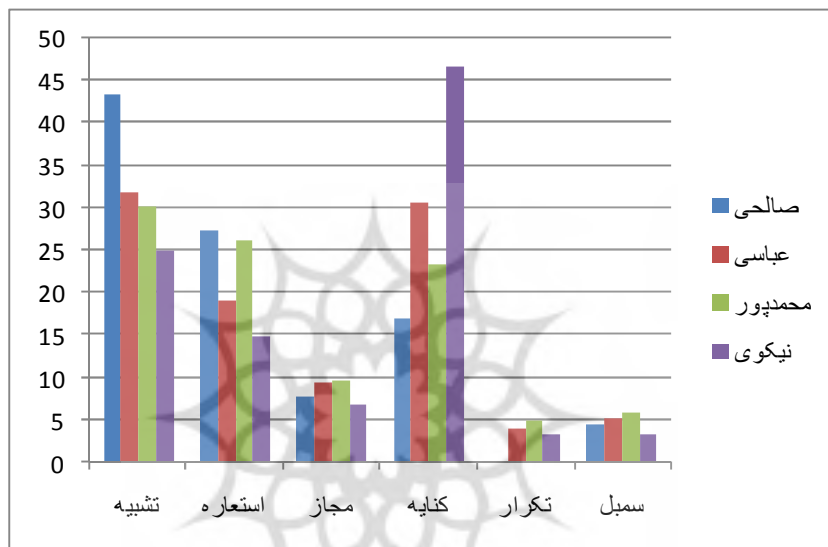
پونه نیکوی به کارکرد عاطفی زبان در شعرهایش بیشتر پرداخته است. بهره‌گیری هنرمندانه از آرایه‌های ادبی و روانی کلام از ویژگی‌های اوست. نیکوی از عاطفه زنانه در همزاد پنداری با اعضای خانواده شهدا خوب استفاده کرده است. برای بیان آن چه درباره مقاومت، در ذهن نیکوی می‌گذرد، غزل، مناسب‌ترین قالب می‌باشد.

بررسی آرایه‌ها نشان داد: در به کارگیری تشبیه، پس از صالحی، محمدپور و عباسی تقریباً برابری و تفاوت نیکوی با این دو محسوس نیست؛ اما درصد استفاده نیکوی از استعاره نسبت به سه شاعر دیگر کمتر است. در بررسی کنایه، نیکوی به تنهایی در رتبه اول ایستاد؛ چرا که او در دوره بعد از جنگ شعر می‌سراید و فرصت ایجاد پیچیدگی‌های ادبی را در شعر را دارد. پس از او به ترتیب عباسی، محمدپور و صالحی به کنایه پردازی در سخن خود توجه داشته‌اند.

در بحث خوشه‌های تصویری نیز هر چهار شاعر در درجه اول، طبیعت را ابزاری مناسب برای خلق آثاری لطیف و شاعرانه می‌دانند. این موضوع تاحدی می‌تواند به زندگی شاعران در شمال کشور مربوط باشد. نتایج حاصل از بررسی خوشه‌های تصویری، نشان دهنده برخورد و ارتباط بی‌واسطه شاعران با پدیده‌ها در خلق اشعار است. برخی خوشه‌های تصویری مثل طبیعت، مذهب، واژه‌های جنگی، نور، صفات و درونیات مثبت و منفی انسانی و اعضاء و جوارح در شعر

بیشتر شاعران دفاع مقدس دیده می‌شوند اما گاه شاعران از موسیقی، ادبیات، آینه، راه نیز برای ایجاد تصاویر جدید بهره برده‌اند.

نمودار درصد فراوانی آرایه‌های ادبی در شعر شاعران تحقیق



جدول درصد فراوانی آرایه‌های ادبی در شعر شاعران تحقیق				
نیکوی	محمدپور	عباسی	صالحی	
۲۵/۱	۳۰/۱	۳۱/۸۵	۴۳/۵	تشبیه
۱۴/۹۵	۲۶/۲	۱۹	۲۷/۲۷	استعاره
۶/۹	۹/۷۵	۹/۳۵	۷/۸	مجاز
۴۶/۷	۲۳/۳	۳۰/۵۵	۱۶/۸۸	کنایه
۳/۲	۴/۸۵	۱/۴	۰	تکرار
۳/۲	۵/۸	۵/۱۵	۴/۵۵	سمبل

جدول درصد فراوانی خوشه های تصویری در شعر شاعران تحقیق

عباسی	صالحی	نیکوی	محمدپور	
٪۲۴/۲	٪۲۵/۵	٪۲۲	٪۱۵/۶	طبیعت
٪۱۲/۶	٪۷/۸	٪۱۹/۵	٪۱۲/۳	اعضا و جوارح
٪۶	٪۱۳/۵	٪۷/۷۵	٪۱۳/۶	واژه های جنگی
٪۷/۶۵	٪۱۵/۷	٪۷	٪۵/۸۵	مذهب
٪۶/۵	٪۳/۵	٪۳	٪۳/۲۵	پرواز
٪۷/۷۵	٪۱	٪۰/۷	٪۴/۵	خشم
٪۶	٪۸	٪۷/۷۵	٪۷/۱	نور
٪۲/۹	٪۱/۵	٪۳	٪۵/۸۵	راه
٪۷/۳	٪۰/۶	٪۱/۲	٪۴/۵	ادبیات
٪۴/۵	٪۱	٪۳/۳	٪۵/۲	موسیقی
٪۲/۷	٪۱	٪۳	٪۱/۴۵	وسایل جنگی
٪۰/۳	٪۳/۱	٪۰/۷	٪۵/۲	وطن
٪۵	٪۱/۵	٪۹/۷	٪۸/۵	وسایل غیر جنگی
٪۴/۹	٪۱۶/۳	٪۱۰/۷	٪۷/۱	صفات و درونیات
٪۱/۷		٪۰/۷		آینه

یادداشت‌ها

- 1-Literariness
- 2- emotive
- 3-conative
- 4-referential
- 5-metalinguistic
- 6-phatic
- 7-poetic



فهرست منابع

۱. امیری خراسانی، احمد، (۱۳۸۷)، **نامه پایداری: مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری**، کرمان ۱۳۸۴/به اهتمام اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس کرمان، انجمن ادبی دفاع مقدس، تهران: انتشارات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس کرمان.
۲. براهنی، رضا، (۱۳۸۰)، **طلادر مس: در شعر و شاعری**، سه جلدی، تهران: نشر زریاب.
۳. بصیری، محمدصادق، (۱۳۸۷)، «**طرح و توضیح چندسؤال درباره مبانی ادبیات پایداری**»: منتشر شده در کتاب **نامه پایداری**، (منبع شماره ۱).
۴. پور نامداریان، تقی، (۱۳۷۴)، **سفر در ۹۵**، تهران: نشر زمستان.
۵. دلیری مالوانی، ابراهیم، (۱۳۷۶)، **تاریخ ادبیات ایران: از آغاز پیدایش فرهنگ ایرانی تا دوره مغول**، قم: چاپ امیر.
۶. رحمدل شرفشاهی، غلامرضا، (۱۳۸۷)، «**تصویر آب در غزل انقلاب**»: منتشر شده در کتاب **نامه پایداری**: (منبع شماره ۱)، صص ۲۱۹-۲۱۸.
۷. سنجری، محمود، (۱۳۷۹)، «**رویکرد قدسی به هنر در شعر دفاع مقدس**»: منتشر شده در کتاب **حماسه کلمات: نگاهی تحلیلی و آماری به بیست سال شعر دفاع مقدس**، نشر بنیاد حفظ آثار.
۸. سنگری، محمدرضا، (۱۳۸۹)، **ادبیات دفاع مقدس: مباحث نظری و شناخت اجمالی گونه های ادبی**، تهران: نشر بنیاد حفظ آثار.
۹. _____، (۱۳۸۰)، **نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس**: سه جلدی، تهران: نشر پالیزان.
۱۰. شمیسا، سیروس، (۱۳۸۶)، **سیر غزل در شعر فارسی**: چاپ هفتم، ویرایش دوم، تهران: نشر علم.
۱۱. صالحی، بهمن، (۱۳۸۷)، **خنجر و گل سوخ**، تهران: نشر فصل پنجم.
۱۲. صفوی، کوروش، (۱۳۹۰)، **از زبان شناسی به ادبیات**: دو جلدی، چاپ سوم، تهران: نشر سوره مهر.
۱۳. صنعتی، محمدحسین، (۱۳۸۹)، **آشنایی با ادبیات دفاع مقدس**، تهران: نشر بنیاد حفظ آثار.
۱۴. عباسی شنبه بازاری، جمشید، (۱۳۸۸)، «**از آرش اساطیر تا جذوه های جنوب**»: نقدی بر مجموعه شعر «خنجر و گل سرخ» سروده بهمن صالحی، منتشر شده در روزنامه نسیم، ۲۵ اسفند ۱۳۸۸، شماره ۳۱۶۴: ص ۶.

۱۵. _____، (۱۳۸۷)، گل با صدای سرب، تهران: نشر سوره مهر.
۱۶. فرزام، حمید، (۱۳۸۰)، نکته‌ها و نقدها: در پنجاه و پنج مقاله ادبی و عرفانی و تاریخی و مذهبی و تربیتی و اخلاقی و اجتماعی و انتقادی، بامقدمه دکتر مهدی محقق، تهران: نشر انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی، ش ۱۱.
۱۷. محمدپور، اسماعیل، (۱۳۸۶)، قطاری از جمهوری شهریور، رشت: نشر حرف نو.
۱۸. محمدی پور، فرامرز، (۱۳۸۲)، «عاشورا- دفاع مقدس در غزل معاصر گیلان»: منتشر شده در کتاب در سایه غزل: مجموعه مقاله، به کوشش انجمن شعر حوزه هنری گیلان، رشت: نشر حرف نو.
۱۹. مددپور، محمد، (۱۳۸۵)، حقیقت و هنر دینی: نظری به مبانی نظری هنر، شعر، ادبیات و هنرهای تجسمی دینی، تهران: نشر سوره مهر.
۲۰. مردانی، نصرالله، (۱۳۷۰)، خون نامه خاک: چاپ دوم، تهران: نشر مؤسسه کیهان.
۲۱. مکارمی نیا، علی، (۱۳۸۳)، بررسی شعر دفاع مقدس، تهران: نشر ترفند.
۲۲. نیکوی، پونه، (۱۳۹۰)، انار سبز زیتون سرخ، تهران: نشر هزاره ققنوس.